



مراد از کلامی بودن امامت این است که تعیین امام بر عهده خدا و از افعال اوست.

مرکز نشر اسراء / چاپ اول 1387 / قطع: وزیری / 320 صفحه
کتاب حاضر دارای یک پیشگفتار و سه بخش است. در پیشگفتار پنج صفحه‌ای کتاب، ذیل شش شماره به «نقش پیوند گذشته و آینده در جهانی سازی»، «آینده جهان بر محور نظم و مدار عدل»، «آینده جهان با منجی عدل‌مدار الهی زنده و منظم می‌گردد»، «انتظار عدل جهانی و منجی موعود»، «آینده حق محور و عدل مدار در گرو حکومت مهدی(عج)» و «نقش عقل و نقل در اثبات مهدویت شخصی» اشاره می‌گردد.

بخش یکم (امام شناسی) شامل سه فصل است. فصل اول (امامت عام) به این مطلب می‌پردازد که مسأله امامت در مکتب شیعه اساساً کلامی است و نه فقهی زیرا مسأله‌ای که موضوع آن صفت یا فعل خداست کلامی است و مسأله‌ای که موضوع آن فعل مکلف است فقهی می‌باشد. مراد از کلامی بودن امامت این است که تعیین امام بر عهده خدا و از افعال اوست. مؤلف سپس اضافه می‌کند که با وجود کلامی بودن مسأله امامت، در برخی روایات از همین مسأله در ردیف فروع دین یاد شده است و رازش این است که امامت و ولایت دو چهره دارد: کلامی و فقهی به اعتبار بعد فقهی‌اش کنار نماز، روزه، حج، جهاد، زکات و مانند اینها قرار می‌گیرد که همه از ارکان فروع دین شمرده می‌شوند و آن بخش از امامت که عهده‌دار مسئله نصب و مشروعیت است به فعل خدای سبحان باز می‌گردد که از این جهت جزو اصول دین است و علم کلام عهده‌دار آن است. نویسنده معتقد است که مرز اندیشه شیعی از صاحبان دیگر اندیشه‌ها در همین محور از یکدیگر جدا می‌شود زیرا بر اساس «مکتب نصب»، حکومت بر محور شایسته سالاری (عصمت) بنا می‌شود و شایستگان بر اریکه قدرت می‌نشینند و به امر و نصب الهی عهده‌دار این مقام و مسئولیت می‌شوند، ولی بر پایه بینش دیگران، چه بسا که شایستگان گوشه نشین شوند، چنانکه نمونه آن در نظام لیبرال دموکراسی غرب مشاهده می‌شود.

از دیگر مباحثی که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد «حیاتی معقولی» است که از ثمرات معرفت به امام معصوم (ع) شمرده می‌شود. در این قسمت حدیث معروف «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» تا حدودی شرح می‌شود به این صورت که مرگ جاهلی، نشانه زندگی جاهلانه است چرا که مرگ عصارة حیات است و آن که امام زمان(ع) خود را نشناسد و با او پیوند ولایی برقرار نکند، به وصیت هیچیک از انبیاء عمل نکرده است. چه رسد به سفارش ذات اقدس الهی و مرگ او مرگ جاهلی است و از آنجا که مرگ عصارة زندگی است، وقتی مرگ جاهلی بو معلوم می‌شود زندگی هم جاهلی بوده است «کما تعیشون تموتون و کما تموتون تبعثون» و چنانکه زندگی او جاهلی است همه شئون و سنن حیاتی او به همانگونه سپری خواهد شد. ممکن نیست زندگی کسی، حیات معقول باشد و مرگ او مرگ جاهلی، زیرا مرگ جاهلی ثمره حیات جاهلی است

ت و زندگی معقول، ثمره‌ای جز مرگ عاقلانه ندارد و آنکه امامش را نشناسد، منتظر او نخواهد بود و منتظر مصلح واقعی نبودن، نشانه حیات جاهلانه است

سایر مباحثی که در این فصل مطرح می‌شوند عبارت‌اند از: معیار زندگی جاهلانه، حیات و مرگ جاهلی در فرهنگ وحی، حیات انسان از دیدگاه قرآن، مراتب و نشانه‌های حیات عقلی، توقف شناخت امامت بر نبوت و فهم نبوت بر ادراک توحید، معرفت امام بهترین راه مسلمانان مردن، مفهوم واقعی معرفت امام، معرفت ثمربخش و شناخت بی‌ثمر، حیات خدا خداپسند در گروه معرفت امام، امامت نیاز بشر و نعمتی الهی و امامت منّت و لطف همیشگی خدا.

فصل دوم (امامت خاص) با «استمرار ولایت از ابراهیم (ع) تا امام زمان (ع)» آغاز می‌شود. در ابتدای این فصل، مؤلف درباره اینکه همه فرزندان صالح حضرت ابراهیم (ع) به مقام امامت رسیده‌اند یک برهان اقامه می‌کند بدینصورت که: «ذریّه ابراهیم (ع) یا محسن یا ظالم‌اند:» و من ذریّه‌ها محسن و ظالم لنفسه مبین» محسن، هم در حق خویش و هم در حق دیگران نیکوکردار است، پس آنکه به دیگران احسان کند، و بر جان خویش ستم روا دارد محسن نیست. از تأمل در آنچه گذشت و انضمام این آیه کریمه که خداوند به خلیش فرمود «لاینال عهدی الظالمین» در می‌یابیم که عهد امامت به فرزندان محسن آن حضرت رسیده است، زیرا پس از چنین تقسیمی در ذریّه آن حضرت و بیان اینکه عهد امامت به ظالمان نمی‌رسد، فرض عدم تعلق این عهد الهی به محسنان به معنای بیهوده بودن آن تقسیم و این تقيید خواهد بود و از آنجا که سخن ذات اقدس الله از هر لغو و بیهوده‌ای منزّه است. چنین فرضی از اساس باطل است». سپس بر پایه برهان یادشده می‌فرمایند عهد امامت به همه فرزندان محسن حضرت ابراهیم (ع) رسیده است. به این معنا که همه انبیاء و اولیای الهی که از نسل آن حضرت‌اند امام نیز هستند. همچنین به طرح و یک شبهه در این زمینه می‌پردازند. شبهه این است که برخی گمان می‌کنند بشر پس از ارتحالی پیامبر اکرم (ص)، از ولایت تشریحی رها می‌شود و این توهم آنها را به این اشتباه انداخته که سلسله درخشان امامت و ولایت، گرچه از ابراهیم خلیل الرحمان تا وجود مبارک خاتم پیامبر استمرار داشته است، اما با ارتحال پیامبر اکرم (ص) این سلسله نیز پایان گرفت و بشر از آن پس از هر ولای تشریحی رها شد! پاسخ این شبهه از این قرار است: «این توهم، ناروا و این پند خطاست، زیرا جانشینان انبیاء، بوژه امامان معصوم از ذریّه نبی اکرم (ص) گرچه پیامبر نیستند حضوری پیامبر گونه دارند: به آنان وحی تشریحی نمی‌شود تا حکم تازه‌ای بیآورند اما از مقام و جایگاه ولایت کار پیامبرانه می‌کنند، چون ولایت باطنی انبیا، در امام معصوم نیز حضور و ظهور دارد. این ولایت، نه تنها ولایت معنوی بر محور قرب فرائض و نوافل است، بلکه همان ولایت تشریحی و سرپرستی امت است که هرگز زوال نمی‌پذیرد:» در ادامه به بشارت ائمه به وجود مبارک ولی عصر (عج)، «شجره مبارک مهدوی»، «راز همتایی میلاد امام زمان (ع) با ب قدر»، «عید میلاد امام عصر (عج)»، «راه معرفت امام زمان (ع)»، «والاترین راه شناخت امام عصر (عج)»، «قرآن و عترت یک حقیقت، دو ظهور»، «جلوه‌هایی از هماهنگی قرآن و عترت» «امام معصوم، پیشوای عقاید، اخلاق و اعمال»، «امام معصوم، شاهد اعمال»، «ولای خاندان عصمت، رکن دینی» و غیره پرداخته می‌شود

در قسمت «راه معرفت امام زمان (ع)»، مؤلف راه‌های فراوانی را برای شناخت مقام والای امامت و شخصیت منحصر به فرد امام عصر (ع) قائل است اما در این میان بهترین راه‌ها را بررسی دعاها و زیارت‌هایی که از خود امام عصر (ع) رسیده و یا فرموده امامان دیگر (ع) درباره آن حضرت است، می‌داند.

همچنین اضافه می‌کند: «کسی که می‌خواهد وجود مبارک ولی عصر (عج) را بشناسد، بهتر است زیارتها و دعاها مرتبط با آن حضرت را به دقت بررسی کند، تا به حریم معرفت آن امام همام بار یابد» ایشان معتقدند اگر کسی بخواهد امام زمان (ع) را به خوبی بشناسد باید «امامت» را بشناسد همان طور که اگر کسی بخواهد خدا و رسولش را بشناسد باید نسبت به «الوهیت» و

«رسالت» معرفت کسب کند. بر این پایه در شناخت امام زمان (ع) به حدیث «اعرفوا الله بالله و الرسول بالرساله و اولی الامر بالامر بالمعروف و العدل و الاحسان» و نیز ضمیمه آن به روایت «...بالمعروف و العدل و الاحسان» اشاره می‌کنند.

از دیگر مباحثی که در این فصل می‌توان از آنها نام برد، «دشواری ادراک امام عصر (عج) و راه تسهیل آن»، «امام عصر (ع) مظهر نورالسموات و الأرض»، «مهدی (ع) سزاوارترین فرد به ابراهیم (ع)»، «خاتم اوصیاء وارث منحصر به فرد کمالات»، «امام عصر مظهر علم و قدرت الهی»، «تأثیر صاحبان نفس»، «ظهور اسم هادی در وجود مهدی (ع)»، «ولی عصر (ع) همسفر سالکان» و غیره می‌باشد.

در فصل سوم (مهدویت شخصی) ذیل عنوان «مهدی موعود موجود (عج)» درباره موجود بودن حضرت (ع) سخن گفته می‌شود. نویسنده با استناد به سه مبنای محکم نتیجه می‌گیرد که امام معصوم دوازدهم متولد شده و اکنون زنده است و هر زمانی که خدا بخواهد ظهور خواهد کرد نه آنکه بعداً متولد گردد یا آنکه قبلاً متولد شده و رحلت کرده باشد. سه مبنای مذکور عبارتند از اینکه: براساس فرموده حضرت ختمی (ص) و گفتار اهل بیت (ع) عدد امامان معصوم و جانشینان راستین پیامبر اکرم (ص) دوازده نفر است و اسامی آن ذوات مقدس و تمام ویژگی‌های هویت آنان ترسیم و تقریر گردیده است و از مطالعه تاریخ و سیره بدست می‌آید که یازده نفر از امامان معصوم (ع) به دنیا آمده و امامت کرده و با شمشیر یا زهر به شهادت رسیده‌اند و بر پایه محکم و مسلم عقل و نقل هرگز جامعه انسانی بی امام معصوم نخواهد بود و زمین هرگز از حجت الهی که دارای عصمت است خالی نخواهد بود. سپس به ناتوانی «قوشچی» از شناخت مهدویت شبهه‌ای که درباره عدم موجودیت امام زمان (ع) مطرح می‌کند، اشاره نموده و آنرا پاس می‌دهند. «مقام و خصائص انسان کامل هر زمان» نیز در این فصل بررسی می‌شود. دو ویژگی مهم و محوری برای انسان کامل هر عصر «ویژگی علمی» و «ویژگی عملی» است. ویژگی علم یعنی اینکه: برخلاف دیگران که نظر خود را بر قرآن تحمیل نموده و آنرا تفسیر به رأی می‌کنند. خصیصه علمی ولی عصر (ع) و انسان کامل چنان است که نه تنها رأی را بر قرآن تحمیل نمی‌کند بلکه آنرا بر قرآن عرضه می‌دارد و قبول یا رد آنرا دایره مدار پذیرش یا رد قرآن می‌داند مراد از ویژگی عملی نیز این است که در حوزه عمل، هنگامی که بعضی هوای نفس، علاقه‌ها، خواسته‌ها، امیال، اغراض و غرایض خویش را بر قرآن تحمیل می‌کنند و قرآن را تابع امیال و افعال خویش قرار می‌دهند، وجود مبارک امام زمان (ع) وقتی ظهور کنند هدایت را رهبر هوا قرا می‌دهند و هوا را تابع هدای

در این فصل مباحث دیگری طرح و بررسی می‌گردند: «خضوع انسان کامل در برابر اراده الهی»، «امام عصر (ع) حقیقت آب حیات»، «وابستگی معرفت امام عصر به شناخت خلافت الهی»، «حضرت مهدی (ع)، مصداق منحصرانسان کامل زمان». بخش دوم کتاب «انتظار» دارای چهار فصل است. فصل یکم: شعاع آفتاب، فصل دوم: حقیقت انتظار. فصل سوم: منتظر فصل چهارم: انتظار، ابعاد و تکالیف.

در فصل اول به مباحث ذیل پرداخته می‌شود: مطلق یا نسبی بودن غیبت ولی عصر (ع) - حکمت و چرایی غیبت - اسرار غیبت - سرنهایی غیبت - خورشید در حجاب - چگونگی بهره‌بردن از امام (ع) در عصر غیبت - ضرورت نیابت در عصر غیبت - نیابت در عصر غیبت - تداوم نیاز به اجرای قوانین اسلامی - دعای امام صادق (ع) راهی بر اثبات ولایت فقیه - پندار و گذاری دفاع از دین به امام عصر (ع) - انقلاب اسلامی آینه انقلاب مهدوی - قرآن آموزگار دستور عصر غیبت به شهیدان - شرط زمینه‌ساز بودن انقلاب اسلامی برای انقلاب مهدوی.

فصل دوم: انتظار فرج - انتظار مکتب اهل بیت (ع) - شرایط تحقق حقیقت انتظار - ارزش انتظار و کرامت منتظر - بهترین راه، برترین انتظار - شاهد یا مشهود امام زمان (ع) بودن - عقل راهبر انتظار حقیقی.

- فصل سوم: برتری انتظار فرهیختگان - مراحل کمالی منتظران - رهیدن منتظران از ناامیدی - فضائل منتظران - دوست داران امام غائب در برابر منتظران امام غائب.
- فصل چهارم: در این فصل یکی از مباحث بسیار مهمی که مطرح می‌شود «آثار انتظار» است. نه اثر از سوی مؤلف برای انتظار شمرده می‌شود.
- 1- امید به آینده: امید به آینده‌ای روشن که سهم بزرگی در حرکت‌ها، کوشش‌ها و تلاش‌های فردی و اجتماعی دارد، یکی از این آثار شمرده می‌شود و چه بسا یکی از جهات تأکید و توصیه انتظار در لسان معصومین (ع) همین فایده بوده است.
 - 2- اصلاحگرایی در عرصه‌های فردی و اجتماعی: آنان که دل به انتظار سپرده و قلبی مملو از امید به ظهور امامشان دارند و می‌دانند که دیر یا زود صالحان، حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش باز می‌گردد، برای رسیدن به چنین جامعه‌ای خویشتن را اصلاح خواهند کرد و در اصلاح جامعه خود نیز می‌کوشند، تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورند.
 - 3- تلاش، پویایی و پیشرفت در تمام عرصه‌ها
 - 4- تخلُّق به فضایل نفسانی
 - 5- آمادگی برای ظهور
 - 6- استحقاق نگاه تشریفی اهل بیت (ع)
 - 7- شکوفه‌سازی اندیشه‌ها
 - 8- بازبانی به مقام اعتماد
 - 9- ورود به جایگاه رفیع «منا اهل البیت»
- از دیگر مطالب مطروحه در این فصل: تکالیف و وظایف منتظران - ارتباط با امام زمان (ع) - چگونگی ارتباط با امام زمان (ع) - وظایف شخصی منتظران - وظایف گروه‌ها اعم از علما، دانشجویان، مستمعان، کهنسالان، جوانان، زنان، ثروتمندان، اقشار آسیب‌پذیر، حاکمان و فرماندهان، نیروهای نظامی، توده مردم، دیگر وظایف منتظران:
- 1- ارتقای سطح بهداشت عمومی و خدمات پزشکی و بهداشتی
 - 2- یاد کرد از رفتگان و طلب رأفت و رحمت الهی
 - 3- فقدان اسیر و زندانی
 - 4- تأکید بر مسأله حج و عمره.
- بخش سوم این اثر (از ظهور تا مدینه فاضله مهدوی (عج)) نیز دارای دو فصل است.
- فصل یکم: تا ظهور آفتاب. فصل دوم: دولت کریمه مهدوی.
- در فصل اول به ضرورت ظهور اشاره شده و آثار عام آن شمرده می‌شوند:
- 1- احیای صراط نعمت داده‌شدگان
 - 2- ظهور، نقطه عطف تاریخ
 - 3- ظهور، روز ثمره دادن جامعه بشر
 - 4- ظهور، جلوه منّت الهی. در ادامه سیمای عمومی عصر ظهور به تصویر کشیده شده و برخی رخدادهای هنگام ظهور همچون: نزول مسیح (ع)، حضور اصحاب کهف، نابود شدن لشکر سفیانی و مبعوث شدن محبان خاص، متذکر می‌گردند.